

لعبت والا و سیمین بهیجانی به یکدیگر علاقه ای وصف ناشدنی دارند. و یکدیگر را لعبتم و سیمینم صدا می کنند. پس از سخنان سیمین در آن شب، لعبت ۶ رباعی که برای دوست دیرینش سروده بود، خواند. و این یکی از آن رباعیات است:

سیمین! تو غرور شعر و شور سخنی

آزاده ترین سخنوران وطنی

با این همه نام آوری و حشمت و جاه

افتاده ای و یار وفادار منی

در مراسم بزرگداشت لعبت والا چند نوار از مصاحبه هایی که در فاصله سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ در رادیو ایران با او شده بود، پخش شد.

شوشا گایی (شمسی عصار) - دختر استاد سید محمد کاظم عصار یکی از آخرین حکمای الهی عصر ما و استاد منطق در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سالهای دور - که سالهاست در لندن زندگی می کند و چند کتاب درباره ایران به زبان انگلیسی نوشته است، در صحبتهایش از روزهایی گفت که به دبیرستان شاهدخت در خیابان شاه آباد می رفته و لعبت هم در همان دبیرستان درس می خوانده است. شوشا گفت لعبت چند سال از ما بالاتر بود اما الگوی ما بود و دوست داشتیم او را ببینیم و با او حرف بزنیم. شعرهای او را در مدرسه می خواندیم. شوشا سپس دو شعر از مجموعه شعر لعبت را که به همت دکتر شیواشیبانی دختر او به انگلیسی برگردانده شده بود، خواند.

اوراق پراکنده

لعبت در آن شب هنگام نمایش اسلایدهایی که از دوران کودکی تا زمان حاضر او را در بر می گرفت، گفت: اوراق زندگی من پراکنده است و عکسهای من مانند زندگی ام بر باد رفته است. وقتی منزل مادرم را غارت کردند، یکی از پاسداران به خواهرزاده ام گفت «آلبومهای عکس خانوادگی را می خواهیم بریزیم در سطل خاکروب.» خواهرزاده ام می پرسد می توانم آنها را بردارم؟ مأموران می گویند بله می توانی. و این عکسها تنها یادگارهایی از آن زمان است که برایم باقی مانده است.

عکسهای نجات یافته شامل عکسهایی از مادر لعبت «رخساره» که احمدشاه به او لقب منیرالسادات داده بود، در نوجوانی، و خواهر بزرگ او «بدرالملوک» همسر احمدشاه قاجار و چند عکس دیگر است.

لعبت، همه فن حریف است. اما در فن مهربانی مقام استادی دارد. و سوای مهارت در سرودن شعر، نویسندگی و روزنامه نگاری، طراح لباس و خیاط بسیار خوبی هم هست. او بعد از انقلاب در دانشگاه ملیورن سرگرم تحصیل شد و زندگی دانشجویی را در پنجاه سالگی از سر گرفت.

گلایه های دوستان

در شب جشن گرامیداشت لعبت والا عده ای از دوستان او که نتوانسته بودند در مجلس حاضر شوند، با ارسال سیدهای گل علاقه خود را به شاعر نشان دادند. در میان گلایه های فرستاده شده سید گلی از سوی خانم مرضیه خواننده نامدار از پاریس و سید گل دیگری از جانب فرزانه تأییدی و همسر هنرمندش بهروز به نژاد برای لعبت ارسال شده بود. شبیه شب در کنسرت اکبر گلپایگانی در لندن، یک بار دیگر از لعبت والا تجلیل شد. هنگامی که حاضران در سالن از حضور لعبت مطلع شدند برای او ابراز احساسات کردند و در پایان کنسرت، گلپایگانی دسته گلی را که به او داده شده بود، به لعبت تقدیم کرد.